



بررسی حق‌الزحمه حسابرسی بر اساس مراحل چرخه عمر شرکت (منتج شده از الگوهای جریان نقد)

ولی خدادادی^۱

علی چراغی‌نیا^۲

سجاد ویسی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵

چکیده

طبق نظریه چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر دارای خصوصیات متفاوتی هستند که بر ریسک تجاری و عملکرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد. از آنجایی که، ریسک تجاری مبنایی برای تعیین حق‌الزحمه حسابرسی است. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی میزان حق‌الزحمه حسابرسی بر اساس مراحل چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور دو فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۸۱ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تفکیک مراحل چرخه عمر شرکت از روش الگوی جریان‌های نقدی دیکینسون (۲۰۱۱) استفاده شده است. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. نتایج بدست آمده نشان داد که ورود شرکت به مرحله رشد تأثیر منفی و معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد. به عبارتی دیگر، شرکت‌ها در مرحله رشد حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت می‌کنند. همچنین، نتایج نشان داد که ورود شرکت به مرحله بلوغ تأثیر مثبت و معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌ها در مرحله بلوغ حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: چرخه عمر شرکت، مرحله رشد، مرحله بلوغ و حق‌الزحمه حسابرسی.

۱- دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات) vkhodadadi@scu.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۳- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۱- مقدمه

قیمت‌گذاری و رقابت بازار برای خدمات حسابرسی موضوع مهمی برای قانون‌گذاران، پژوهشگران و سرمایه‌گذاران به شمار می‌آید. های و نیکل^۱ (۲۰۱۰) مشاهده کردند که ماهیت حسابرسی به منزله کالایی اعتباری، به تحمیل هزینه و زمان بیشتر یا کمتر از حد در حسابرسی منجر می‌شود. با وجود ادبیات مستحکم در زمینه حق الزحمه حسابرسی، بحث و بررسی کاملی درباره جزئیات آن، از جمله صرف ناشی از حق الزحمه به منزله معیاری از کیفیت حسابرسی، محدودیت‌های حق الزحمه و سایر جنبه‌ها انجام نگرفته است. همچنین، شناسایی کاملی از رفتار حق الزحمه حسابرسی در طول زمان به دست نیامده، در حالی که بررسی رفتار حق الزحمه حسابرسی در بلند مدت، بیانگر شناخت ما از بازار حسابرسی است. در اغلب پژوهش‌های انجام شده در رابطه با شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی، عوامل توصیفی شامل عوامل ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد تجاری مورد توجه قرار گرفته است. جانستون و بدارد^۲ (۲۰۰۳) معتقدند جهت استفاده از خدمات حسابرسی باید مبلغی به عنوان حق الزحمه خدمات حسابرسی پرداخت شود. این مبلغ توسط حسابرس و با توجه به ارزیابی وی از حجم و ریسک کار حسابرسی تعیین می‌گردد. سیمونیک و آستین^۳ (۱۹۸۷) بیان کردند که حق الزحمه حسابرسی به وسیله ریسک تجاری تعیین می‌شود. در نتیجه، حق الزحمه حسابرسی باید هزینه‌های مورد انتظار ادراک حسابرس از ریسک تجاری پیش‌روی شرکت‌ها را منعکس کند (لیون و ماهر،^۴ ۲۰۰۵، ۱۳۷). رونی و ساگانسن^۵ (۲۰۱۳) معتقدند چرخه عمر شرکت یک متغیر نسبتاً جدید در ادبیات حسابداری است و می‌تواند به عنوان یک ابزار برای ارزیابی ریسک تجاری شرکت استفاده شود. طبق تئوری چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر از نظر مالی و اقتصادی دارای نمودگرها و رفتارهای خاصی هستند؛ بدین نحو که ویژگی‌های مالی و اقتصادی یک شرکت تحت تأثیر مرحله‌ای از چرخه عمر است که شرکت در آن قرار دارد (بیکسی،^۶ ۲۰۰۷، ۱۶۴). یونسو و سیون می^۷ (۲۰۱۵) اعتقاد دارند تمرکز اکثر پژوهش‌های پیشین درباره حق الزحمه حسابرسی به ارتباط بین مدیران و مالکان و مسئله نمایندگی بوده و توجه چندانی به چرخه عمر و محیط‌های گوناگون فعالیت شرکت‌ها که به تنوع در حق الزحمه حسابرسی می‌انجامد، نشده است. همچنین، آن‌ها معتقدند که اطلاعات کیفی مانند چرخه عمر شرکت می‌تواند نقش مهمی در تعیین حق الزحمه حسابرسی، از طریق تسهیل در ارزیابی ریسک تجاری شرکت ایفا کند.

خلاصه این‌که، مراحل چرخه عمر شرکت سازوکاری برای اندازه‌گیری معیار چند بعدی و گسترده ریسک تجاری می‌باشد و می‌تواند برای حسابرسان به عنوان شاخص احتمال خطر حسابرسی مفید واقع شود. از سویی، حسابرسی مستقل مبنایی برای شفافیت اقتصادی، اعتماد

مردم و جامعه به بازار سرمایه و همچنین مبنایی برای پاسخگویی دولت در برابر مردم فراهم می‌آورد. در نتیجه، نباید همانند کالاها و خدمات معمولی با آن برخورد شود. در این شرایط، جهت حفظ نقش رسالت حسابرسی می‌بایست حق الزحمه در خور شان حرفه حسابرسی و متناسب با فرایند اجرای آن در نظر گرفته شود. بنابراین، هدف این پژوهش، بررسی حق الزحمه حسابرسی بر اساس مراحل چرخه عمر شرکت است. همچنین، بررسی موضوع مطالعه مبتنی بر ادبیات اقتصادی و حسابداری مدیریت است که تغییرات حق الزحمه حسابرسی را می‌آزماید و می‌تواند برای حسابرسان، مدیران و قانون‌گذاران کاربرد داشته باشد.

در ادامه پژوهش مبنایی نظری و پیشینه مطالعات انجام گرفته و فرضیه‌ها مرور می‌شود و سپس به مدل‌ها، روش‌های پژوهش و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها پرداخته خواهد شد.

۲- مبنایی نظری پژوهش

قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی یکی از موضوعات مورد علاقه بسیاری از پژوهشگران حسابرسی است و تاکنون مطالعات زیادی در این زمینه انجام شده است. آگاهی از نحوه تعیین حق الزحمه حسابرسی هم برای صاحبکار و هم برای حسابرس مهم است. حسابرسان جهت تعیین حق الزحمه حسابرسی از عوامل گوناگونی استفاده می‌کنند و پژوهش‌های زیادی نیز در رابطه با شناسایی و ارزیابی این عوامل انجام شده است. بن علی و لسیج^۸ (۲۰۱۲) معتقدند که در نهایت حسابرس ریسکی را برآورد می‌کند که از تمرکز و شدت وجود مسئله نمایندگی و سایر عوامل نشأت می‌گیرد و با توجه به آن، پس از برنامه‌ریزی کار حسابرسی، حق الزحمه خود را تعیین می‌کند. واعظ و همکاران (۱۳۹۲) اعتقاد دارند دو جنبه خاص از بازار رقابتی ممکن است انتظارات عمومی در مورد حق الزحمه حسابرسی را با محدودیت مواجه کند؛ جنبه اول بیانگر این واقعیت است که حسابرسی صاحبکاران جدید، به تلاش بیشتری برای کسب دانش کافی نسبت به ریسک‌های حسابرسی نیازمند است. جنبه دیگر، احتمال پیشنهاد قیمت پایین‌تر موسسه‌های حسابرسی به منظور جذب صاحبکاران است تا در آینده بتوانند حق الزحمه حسابرسی را افزایش دهند. این دو جنبه می‌تواند بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار باشد. لیون و ماهر (۲۰۰۵) معتقدند که حق الزحمه‌های حسابرسی به وسیله ریسک تجاری تعیین می‌شوند. در نتیجه، حق الزحمه حسابرسی باید هزینه‌های مورد انتظار ادراک حسابرس از ریسک تجاری پیش‌روی شرکت را منعکس کند. مؤسسات حسابرسی باید ریسک مرتبط با ارائه خدمات حرفه‌ای در شرایط خاص را به طور مناسب در نظر بگیرند. در حین این که حسابرس، ریسک‌های مرتبط با صاحبکار را ارزیابی می‌کند، معقولانه به نظر می‌رسد که دو ریسک مرتبط با صاحبکاران، یعنی ریسک تجاری و ریسک حسابرسی بر یکدیگر تأثیر بگذارند

(بدارد و همکاران، ۲۰۰۴، ۱۲۹). بسیاری از پژوهشگران، این نظریه را تأیید می‌کنند که ارتباط مثبتی بین بعضی از مفاهیم ریسک و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. به این ترتیب، حسابرسان باید در تعیین حق الزحمه حسابرسی، مشخصه‌های ریسک صاحبکار خود را در نظر گرفته و ریسک‌های مربوط را از طریق حق الزحمه‌های بالاتر جبران کنند. همچنین، نتایج آن‌ها این موضوع را تأیید می‌کند که حسابرسان نباید تنها روی ریسک مربوط به صورت‌های مالی تأکید کنند، بلکه باید دید وسیع‌تری نسبت به رفتار تجاری صاحبکار داشته باشند (بل و همکاران^۹، ۲۰۰۱، آلن و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۶). پژوهش‌های فرانسویس^{۱۱} (۱۹۸۴)، جاب و همکاران^{۱۲} (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که ریسک از عوامل چند بعدی تشکیل شده است. این پژوهشگران بیان داشتند که شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر، ویژگی‌های متفاوتی دارند که بر ریسک تجاری و عملکرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد. لی و اسلاکم^{۱۳} (۲۰۰۵) بیان نمودند که ریسک شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر تغییر می‌کند. بنابراین، شرکت‌ها با ریسک‌های تجاری و عملیاتی متفاوت در مراحل مختلف چرخه عمر روبرو می‌شوند. به علاوه، ریسک تجاری صاحبکار و ریسک حسابرسی به یکدیگر وابسته می‌باشند. همچنین، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر، ویژگی‌های متفاوتی دارند به عبارتی، فرصت‌ها، تهدیدها و فشارهای محیط داخلی و خارجی سازمان با مراحل چرخه عمر تغییر می‌کند (جواهر و مکلافلین^{۱۴}، ۲۰۰۱، ۴۰۱).

در این شرایط، با توجه به ویژگی‌های متفاوت شرکت در مراحل مختلف چرخه عمر که بر ریسک تجاری و عملکرد شرکت اثرگذار است، انتظار می‌رود که مراحل چرخه عمر شرکت بر حق الزحمه پرداختی به حسابرس اثرگذار باشد. اما یکی از مسائلی که همواره در استفاده از معیار چرخه عمر وجود دارد این است که، چگونه می‌توان مراحل چرخه عمر شرکت را تفکیک کرد. شناخت مراحل چرخه عمر شرکت‌ها می‌تواند به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری در پیش‌بینی وضعیت آتی شرکت کمک کند. به عبارتی دیگر، هر یک از مراحل که شرکت در آن قرار دارد به استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری کمک می‌نماید تا ارزیابی بهتری از اطلاعات مالی شرکت، نیازهای جاری و آتی آن و نیز عملکرد و قابلیت‌های مدیریت به عمل آورند (حقیقت و قربانی، ۱۳۸۶). از این رو، هر اندازه بتوان مراحل چرخه عمر شرکت را به نحو مناسب تفکیک و ارزیابی کرد پیش‌بینی‌های دقیق‌تری انجام خواهد شد. از آنجایی که در روش آنتونی و رامش^{۱۵} (۱۹۹۲) از معیار سن شرکت و همچنین استفاده از نقاط انفصالی که هیچ یک از تئوری‌های اقتصادی از آن حمایت نمی‌کند استفاده می‌گردد. می‌توان انتظار داشت که روش الگوی جریان‌های نقدی دیکینسون^{۱۶} (۲۰۱۱) یک روش تفکیک‌کننده بهتری برای چرخه عمر شرکت باشد. در اکثر پژوهش‌های پیشین، چرخه عمر شرکت‌ها به سه

مرحله رشد، بلوغ و افول تقسیم شده‌اند. با توجه به این‌که در این پژوهش، فقط مراحل رشد و بلوغ شرکت‌ها بررسی شده، در ادامه ویژگی‌ها و ارتباط این دو مرحله با حق‌الزحمه حسابرسی تشریح می‌شود.

• مرحله اول: رشد

در این مرحله شرکت‌ها با رشد فروش و سودهای غیر قابل پیش‌بینی ناشی از ابهام در میزان تقاضای محصولات مواجه می‌شوند. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد اگرچه ممکن است میزان تقاضا برای محصولات در حال افزایش باشد با این وجود، احتمال دارد محصولات شرکت هنوز مورد مقبولیت عموم مصرف‌کنندگان واقع نشده باشد، اما شرکت‌ها ممکن است در مرحله رشد به مقدار عایدی دست یابند (بلاک^{۱۷}، ۱۹۹۸). همچنین، شرکت‌ها فعالانه به دنبال جستجو و به کارگیری طرح‌های توسعه بوده و به سرمایه بیشتری برای دستیابی به مزایای بلندمدت رقابتی و محصولات جدید نیاز دارد. بنابراین، آن‌ها به انجام فعالیت‌های مالی برای دستیابی به سرمایه کافی مورد نیاز می‌پردازند. شرکت‌ها در این مرحله به پیشرفت در تغییرات فناوری تکیه می‌کنند، اما باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری بالا و مخارج تحقیق و توسعه برای ایجاد محصولات جدید، موفقیت این محصولات را تضمین نمی‌کند. بنابراین، شرکت‌های فعال در محیط‌های صنعتی غیرقابل پیش‌بینی، احتمالاً ریسک تجاری بالاتر و در نتیجه احتمال خطر حسابرسی بیشتری دارند. به عبارتی دیگر، حساب‌برسان ریسک بالاتری متحمل شده و برای حسابرسی صورت‌های مالی و اطلاعات مربوط به صاحب‌کاری که در مرحله رشد است نیاز به تلاش بیشتری دارند و باید حق‌الزحمه حسابرسی بالاتری را مطالبه کنند (لیون و ماهر، ۲۰۰۵، ۱۳۷). از سوی دیگر، شرکت‌های در مرحله رشد تمایل دارند تا از طریق ارائه اطلاعات با کیفیت، فرصت‌های رشد، عملکرد و آینده مطلوب خود را نشان دهند و این امر، سبب افزایش کیفیت اطلاعاتشان می‌گردد (لتوز^{۱۸}، ۲۰۰۴، ۲۱۶). همچنین، در مرحله رشد شرکت بر ترس خروج سریع از بازار فائق آمده و با بقا در بازار به میزانی از موفقیت دست یافته است که باعث کاهش ریسک تجاری شرکت می‌شود. افزون بر این، به منظور جذب و حفظ صاحب‌کارانی که توان فرصت رشد آتی بالاتری دارند، حساب‌برسان ممکن است در این مرحله حق‌الزحمه حسابرسی کمتری مطالبه کنند. (یون سو و سیون می، ۲۰۱۵).

• مرحله دوم: بلوغ

در این مرحله فروش شرکت به ثبات قابل ملاحظه‌ای رسیده است و جریان وجوه نقد عملیاتی بیشتری خواهد داشت (بلاک، ۱۹۹۸). همچنین، شرکت‌ها در مقایسه با دیگر مراحل چرخه عمر، در این مرحله تغییرات فناوری کمتری دارند. محیط با ثبات منجر به نتایج مالی می‌شود که از نتایج سال قبل انحراف زیادی نخواهد داشت. در نتیجه، به احتمال زیاد حساب‌برسان انتظارات معقولی از

نتایج مالی اخیر داشته و رویه‌های حسابرسی می‌توانند به طور خیلی موثری اجرایی شوند (فرانسیس، ۱۹۸۴). در مجموع شرکت‌ها در این مرحله، معمولاً تجارب مدیریتی بهتری داشته و ریسک ورشکستگی کمتری خواهند داشت. بنابراین، انتظار می‌رود ریسک تجاری شرکت در مرحله بلوغ کمتر از دیگر مراحل چرخه عمر باشد که باعث می‌شود حسابرسان حق الزحمه حسابرسی کمتری مطالبه کنند (لیون و ماهر، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، یونسو و سیون می (۲۰۱۵) معتقدند به دلیل محیط تجاری رقابتی‌تر و چالشی‌تر شرکت‌ها در مرحله بلوغ، ساختار سازمانی این شرکت‌ها پیچیده‌تر از ساختار سازمانی شرکت‌ها در سایر مراحل است. بنابراین، باعث ایجاد نیاز به روش‌های حسابرسی پرهزینه‌تر یا تلاش‌های حسابرسی بیشتر می‌شود. همچنین، شرکت‌ها در مرحله بلوغ ذخیره منابع متنوع‌تر و بیشتری دارند که سبب می‌شود مدیران شرکت‌ها در این مرحله انگیزه قوی‌تری برای رسیدن به منافع شخصی خود نسبت به دیگر مراحل چرخه عمر داشته باشند. به عبارتی دیگر، مشکلات نمایندگی شرکت‌ها در مرحله بلوغ افزایش یافته، و شرکت‌ها در مرحله بلوغ تاکید بیشتری به کاهش مشکلات نمایندگی دارند. در این شرایط، حسابرسی یک وسیله کارآمد برای کاهش مشکلات نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران است و حسابرسان باید برای کاهش مشکلات نمایندگی تلاش بیشتری کنند. افزون بر این، افزایش و تنوع سهامداران در مرحله بلوغ باعث تاکید بیشتر حسابرسی برای کاهش ریسک تجاری می‌شود که به تلاش بیشتر حسابرسان منجر می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود که حسابرسان در مرحله بلوغ حق الزحمه حسابرسی بیشتری مطالبه کنند.

۳- پیشینه پژوهش

بل و همکاران (۲۰۰۱)، طی پژوهش‌های تجربی دریافتند که ریسک تجاری میزان ساعات کار حسابرسی را بالا برده و بدین ترتیب با افزایش ریسک تجاری، حق الزحمه حسابرسی نیز افزایش می‌یابد. از دیدگاه نیکنن و پتری^{۱۹} (۲۰۰۵) حق الزحمه حسابرسی با ابعاد ریسک (ریسک مالی، ریسک عملیاتی و ریسک تجاری) رابطه‌ای مستقیم دارد. همچنین، یافته‌های آن‌ها نشان داد که ریسک تجاری یا ابهامی که صاحبکار با آن روبرو می‌شود بر ماهیت، زمانبندی و فرآیند حسابرسی اجرا شده تأثیر می‌گذارد. در نتیجه متغیرهایی که ویژگی ریسک صاحبکار را منعکس می‌کنند ارتباط مثبتی با حق الزحمه حسابرسی دارند. لیون و ماهر (۲۰۰۵) به شواهدی دست یافتند که در بازار حسابرسی، زمانی که حسابرسان ریسک کسب و کار را در سطح صاحبکار ارزیابی می‌کنند، هزینه‌های مورد انتظار خود از صاحبکار را به شکل حق الزحمه‌های بالاتر حسابرسی دریافت می‌کنند. زو بگزیان^{۲۰} (۲۰۰۷) در پژوهشی با طبقه‌بندی شرکت‌ها به مراحل رشد، بلوغ و افول به

بررسی تأثیر چرخه عمر بر میزان مربوط بودن معیارهای ریسک پرداخت. یافته‌های وی نشان داد، توان توضیحی افزایش معیارهای ریسک در مرحله افول، دارای بیشترین مقدار و در مرحله بلوغ دارای کمترین مقدار هستند. یافته‌های پژوهش چن و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۰) نشان داد که ورود متغیر چرخه عمر به الگوهای اقلام تعهدی سبب افزایش قدرت توضیح دهندگی این الگوها شده و خطای نوع اول و دوم را کاهش می‌دهد. آستانا و بونی^{۲۲} (۲۰۱۲) معتقدند تغییرات حق‌الزحمه حسابرسی می‌تواند به دلیل ساختار بازار حق‌الزحمه حسابرسی باشد. صالح و همکاران^{۲۳} (۲۰۱۳) دریافتند که با حرکت از مرحله رشد به سمت افول ارزش اطلاعات سود کاهش می‌یابد. یونسو و سیون‌می (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر مراحل چرخه عمر شرکت‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های آمریکایی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود برای تفکیک مراحل چرخه عمر از الگوی جریان‌های نقدی دیکینسون (۲۰۱۱) استفاده نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد ورود شرکت‌ها به مرحله بلوغ تأثیر مثبت و معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد. به عبارتی دیگر، حق‌الزحمه حسابرسی در مرحله بلوغ نسبت به سایر مراحل چرخه عمر بیشتر است.

سرلک و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از الگوی جریان‌های نقدی دیکینسون (۲۰۱۱) برای تفکیک مراحل چرخه عمر به بررسی رابطه ویژگی مالی و ساختار سرمایه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شرکت‌ها در هر سه مرحله از چرخه عمرشان تأمین مالی از طریق بدهی را ترجیح می‌دهند. دیانتی دیلمی و بیاتی (۱۳۹۴) در پژوهشی رابطه رقابت بازار محصول و حق‌الزحمه حسابرسی بررسی نمودند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که رقابت باعث کاهش مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران می‌شود که این موضوع به نوبه خود باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه کنترلی می‌شود. بنابراین، ریسک حسابرسی کاهش و در نتیجه حق‌الزحمه درخواستی نیز کاهش خواهد یافت. سجادی و زارعی (۱۳۸۶) به بررسی تأثیر ویژگی‌های موسسه حسابرسی و صاحبکار بر حق‌الزحمه حسابرسی از دیدگاه شرکای موسسه‌های حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، تخصص صنعتی موسسه حسابرسی، کیفیت گزارش حسابرسی، میزان دعاوی حقوقی صاحبکار و تنگناهای فرایند گزارش حسابرسی در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی مؤثر است. همچنین نتایج نشان داد که شهرت موسسه حسابرسی، استقلال حسابرس و شهرت صاحبکار در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی مؤثر نیستند. کرمی و عمرانی (۱۳۸۹) نشان دادند که میزان مربوط بودن معیارهای ریسک و عملکرد و نیز توان توضیحی افزایش معیارهای ریسک در مراحل مختلف چرخه عمر (رشد، بلوغ و افول) تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. یافته‌های پژوهش علوی و رباطمیلی (۱۳۹۱) نشان داد در شرکت‌هایی که جریان‌های نقد

آزاد و فرصت‌های رشد زیاد است، با افزایش میزان بدهی‌ها، میانگین حق الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش واعظ و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد ارتباط میان معیارهای کیفیت حسابرسی (اندازه، تخصص و تداوم انتخاب موسسه حسابرسی) با حق الزحمه حسابرسی معنادار است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده‌اند.
فرضیه اول: ورود شرکت‌ها به مرحله رشد تأثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد.
فرضیه دوم: ورود شرکت‌ها به مرحله بلوغ تأثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد.

۵- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع توصیفی و بر اساس ماهیت و روش از نوع همبستگی است. با توجه به این‌که این پژوهش می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری حسابرسان مورد استفاده قرار گیرد، نوع پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار انجام شده است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون داده‌های ترکیبی استفاده شده است. برای انتخاب از بین روش‌های الگوهای رگرسیونی ترکیبی و الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. اگر در آزمون F لیمر روش داده‌های ترکیبی انتخاب شود، کار تمام است اما، اگر روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انتخاب شود لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می‌شود (افلاطونی، ۹۲).

۶- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ است. در این پژوهش، برای تعیین نمونه آماری از روش حذف سیستماتیک استفاده شد؛ بدین صورت که از بین کلیه شرکت‌های موجود در پایان سال ۱۳۸۳، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نباشند، حذف شده و شرکت‌های باقی‌مانده برای انجام آزمون انتخاب شدند:

(۱) به منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های بررسی، شرکت‌ها پیش از سال ۱۳۸۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

- (۲) به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- (۳) نمونه آماری شامل شرکت‌های واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، لیزینگ، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه نمی‌شود؛ زیرا ماهیت دارایی شرکت‌های مذکور متفاوت است.
- (۴) شرکت‌ها طی دوره زمانی این پژوهش، تغییر فعالیت یا تغییر دوره مالی نداده باشند.
- (۵) داده‌های مد نظر شرکت‌ها در دسترس باشد.

در نهایت پس از طی مراحل مزبور تعداد ۸۱ شرکت برای انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شدند.

۷- طبقه بندی شرکت در مراحل چرخه عمر

یکی از مسائلی که همواره در استفاده از معیار چرخه عمر وجود دارد این است که، چگونه می‌توان مراحل چرخه عمر شرکت‌ها را تفکیک کرد. هر اندازه بتوان مراحل چرخه عمر شرکت‌ها را به نحو مناسب تفکیک و ارزیابی کرد پیش‌بینی‌های دقیق‌تری انجام خواهد شد. دیکینسون (۲۰۱۱) در پژوهش خود به منظور تفکیک مراحل چرخه عمر از سه متغیر خالص جریان‌های نقدی فعالیت‌های عملیاتی، جریان‌های نقدی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و جریان‌های نقدی فعالیت‌های تأمین مالی استفاده نمود. در این پژوهش تفکیک چرخه عمر شرکت به مراحل رشد، بلوغ و افول با استفاده از سه متغیر مذکور و طبق روش شناسی (یون سو و سیون می، ۲۰۱۵) طبق جدول ۱ است:

جدول ۱- مدل چرخه عمر شرکت

مراحل چرخه عمر شرکت	
<u>رشد</u> <u>بلوغ</u> <u>افول</u>	
(-) (+) (+)	جریان‌های نقدی فعالیت‌های عملیاتی
(+) (-) (-)	جریان‌های نقدی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری
(-/+) (-) (+)	جریان‌های نقدی فعالیت‌های تأمین مالی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مطابق با جدول ۱ در صورتی که جریان‌های نقدی فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی مثبت و جریان‌های نقدی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری منفی باشد، شرکت در مرحله رشد قرار دارد و در صورتی که جریان‌های نقدی فعالیت‌های عملیاتی مثبت و جریان‌های نقدی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی منفی باشد، شرکت در مرحله بلوغ قرار دارد.

۸- مدل و متغیرهای پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه پژوهش، الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. برای بررسی فرضیه اول از مدل ۱ استفاده شده است (یون سو و سیون می، ۲۰۱۵).

رابطه (۱)

$$AUDFEE_{it} = \alpha_1 + \beta_1 GR_{it} + \beta_2 LnTA_{i,t} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 BIG_{it} + \varepsilon_{i,t}$$

همچنین، برای بررسی فرضیه دوم از مدل ۲ استفاده شده است (یون سو و سیون می، ۲۰۱۵).

رابطه (۲)

$$AUDFEE_{it} = \alpha_1 + \beta_1 lc_{it} + \beta_2 LnTA_{i,t} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 BIG_{it} + \varepsilon_{i,t}$$

• متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسی $AUDFEE_{it}$: براساس لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی اندازه گیری می شود. علت استفاده از لگاریتم طبیعی در محاسبه حق الزحمه حسابرسی، همگن کردن حق الزحمه شرکت های بزرگ و کوچک می باشد. این روش در همه پژوهش های قبلی استفاده شده است.

• متغیرهای مستقل

برای مدل ۱ مرحله رشد شرکت (GR_{it}) یک متغیر مجازی است. اگر شرکت در مرحله رشد باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است.
برای مدل ۲ مرحله بلوغ شرکت (lc_{it}) یک متغیر مجازی است. اگر شرکت در مرحله بلوغ باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است.

• متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت ($LnTA_{i,t}$): لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت است.
سودآوری (ROA_{it}): بیانگر بازده دارایی های شرکت است و برابر با نسبت سود عملیاتی به کل دارایی ها است.

اهرم مالی (LEV_{it}): برابر با نسبت کل بدهی ها به کل دارایی های شرکت است.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB_{it}): برابر با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری آن است (هویتاش و همکاران، ۲۰۰۸).
 زیان ($LOSS_{it}$): یک متغیر مجازی است. اگر شرکت زیان خالص گزارش کند، برابر یک و در غیر این صورت صفر است.
 اندازه موسسه حسابرسی (BIG_{it}): یک متغیر مجازی است. اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد عدد یک، و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد.

۹- نتایج پژوهش

۹-۱- آمار توصیفی

برای ارائه نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در جدول ۱ برخی از آماره‌های توصیفی این متغیرها (میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و اکثر مشاهدات) درج شده است.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
حق الزحمه حسابرسی	۶/۰۵۱	۵/۹۹۹	۹/۳۰۳	۲/۹۹۶	۰/۷۹۹
مرحله رشد	۰/۴۸۶	۰	۱	۰	۰/۵۰۰
مرحله بلوغ	۰/۳۶۲	۰	۱	۰	۰/۴۸۱
اندازه شرکت	۱۲/۹۴۶	۱۲/۹۰۸	۱۶/۴۳۷	۹/۷۹۷	۱/۱۸۰
سودآوری	۰/۱۱۸	۰/۱۰۳	۰/۶۳۱	-۰/۴۰۳	۰/۱۳۱
اهرم مالی	۰/۶۵۳	۰/۶۵۴	۲/۱۸۴	۰/۱۴۶	۰/۲۱۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۱/۷۳۶	۱/۴۲۰	۱۵/۵۲۸	۰/۳۶۰	۱/۰۷۲
زیان	۰/۱۰۷	۰	۱	۰	۰/۳۰۹
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۲۸۲	۰	۱	۰	۰/۴۵۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۲ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزاست. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر انحراف معیار است. مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت

داده‌هاست. برای مثال میانگین متغیر سودآوری برابر با ۰/۱۱۸ است. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت داده‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به نزدیکی میانه و میانگین در بیشتر متغیرها و همچنین سایر آماره‌های به دست آمده از متغیرهای مختلف می‌توان بیان کرد که کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند. در این میان، میانگین (میانه) حق الزحمه حسابرسی ۶/۰۵۱ (۵/۹۹۹) می‌باشد و بیانگر آن است که بیشتر مشاهدات مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز دارد. همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانه متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۶۵۴ است که نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی، پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها با یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر اندازه شرکت برابر ۱/۱۸۰ و برای متغیر سودآوری برابر با ۰/۱۳۱ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای پژوهش، اندازه شرکت و سودآوری به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی هستند. همچنین، لازم به توضیح است به منظور اجتناب از تأثیر داده‌های پرت بر نتایج پژوهش، کلیه داده‌های پرت متغیرها در سطح یک درصد حذف شده‌اند.

۹-۲- آزمون فرضیه‌ها

قبل از برآزش مدل‌ها لازم است تا آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای مدل‌های مزبور انجام شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای مدل‌های مزبور در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳ - نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های پژوهش

مدل مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۱	۱۱/۶۲۴	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت
مدل ۲	۱۱/۷۱۵	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر برای مدل‌های ۱ و ۲ لازم است برای انتخاب از بین روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش

مدل مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۱	۱۸۰/۱۱۷	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت
مدل ۲	۱۸۶/۲۱۵	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، نتایج حاکی از آن است که روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت برای هر دو مدل ۱ و ۲ روش ارجح است. بنابراین، در ادامه به تخمین مدل‌های پژوهش با توجه به روش ارجح پرداخته می‌شود. برای بررسی فرضیه اول از مدل ۱ استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون فرضیه اول در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵- نتایج حاصل از برآورد مدل ۱ پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	آماره t	سطح خطا
عرض از مبدأ	-۵/۶۹۴	-۱۲/۵۶۶	۰/۰۰۰
مرحله رشد شرکت	-۰/۱۰۶	-۳/۱۴۲	۰/۰۰۲
اندازه شرکت	۰/۸۹۳	۲۶/۴۱۹	۰/۰۰۰
سودآوری	-۰/۱۶۱	-۰/۷۸۵	۰/۴۳۲
اهرم مالی	۰/۰۸۹	۰/۶۱۴	۰/۵۳۹
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۵۲	۲/۸۴۴	۰/۰۰۴
زیان	۰/۰۸۱	۱/۲۲۷	۰/۲۲۰
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۳۶۱	۵/۷۹۹	۰/۰۰۰
آماره F فیشر (سطح خطا)		۲۳/۴۰۲ (۰/۰۰۰)	
ضریب تعیین		۰/۷۴۰	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۰۸	
آماره دوربین واتسون		۱/۷۶۷	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول ۵ و با توجه آماره F بدست آمده (۲۳/۴۰۲) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در مجموع مدل پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای مدل که برابر ۷۰/۸ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۷۰ درصد

تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۱/۷۶۷ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی‌مانده‌های مدل وجود ندارد.

برای بررسی فرضیه دوم از مدل ۲ استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون فرضیه دوم در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶ - نتایج حاصل از برآورد مدل ۲ پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	آماره t	سطح خطا
عرض از مبدأ	-۵/۹۵۱	-۱۳/۰۴۵	۰/۰۰۰
مرحله بلوغ شرکت	۰/۱۰۰	۲/۹۲۹	۰/۰۰۳
اندازه شرکت	۰/۹۰۵	۲۶/۶۲۴	۰/۰۰۰
سودآوری	-۰/۱۸۲	-۰/۸۸۸	۰/۳۷۵
اهرم مالی	۰/۱۰۴	۰/۷۱۷	۰/۴۷۳
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۵۴	۲/۹۴۴	۰/۰۰۳
زیان	۰/۰۸۸	۱/۳۴۳	۰/۱۷۹
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۳۵۰	۴/۹۰۹	۰/۰۰۰
آماره F فیشر (سطح خطا)		(۰/۰۰۰) ۲۳/۳۴۶	
ضریب تعیین		۰/۷۳۹	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۰۷	
آماره دوربین واتسون		۱/۷۵۸	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول ۶ و با توجه آماره F بدست آمده (۲۳/۳۴۶) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در مجموع مدل پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای مدل که برابر ۷۰/۷ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۷۰ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۱/۷۵۸ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی‌مانده‌های مدل وجود ندارد. در ادامه به بررسی نتایج به دست آمده مربوط به فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

• فرضیه اول

این فرضیه به بررسی تأثیر مرحله رشد از چرخه عمر شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی می‌پردازد. با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول ۵ از برآورد الگو، ضریب متغیر مرحله رشد شرکت برابر ۰/۱۰۶- است و با توجه به سطح خطای آن که برابر با (۰/۰۰۲) و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار می‌گیرد. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که شرکت‌ها در مرحله رشد حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت می‌کنند که با پژوهش‌های بل و همکاران (۲۰۰۱) و یون سو لی و سیون می کیم (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

• فرضیه دوم

این فرضیه به بررسی تأثیر مرحله بلوغ از چرخه عمر شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی می‌پردازد. با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول (۵) از برآورد الگو، ضریب متغیر مرحله رشد شرکت برابر ۰/۱۰۰ است و با توجه به سطح خطای آن که برابر با (۰/۰۰۳) و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار می‌گیرد. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که شرکت‌ها در مرحله بلوغ حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌کنند که با پژوهش‌های بل و همکاران (۲۰۰۱) و یون سو لی و سیون می کیم (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

۱۰- بحث و نتیجه‌گیری

قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی یکی از موضوعات مورد علاقه بسیاری از پژوهشگران حسابرسی است و تاکنون مطالعات زیادی در این زمینه انجام شده است. آگاهی از نحوه تعیین حق‌الزحمه حسابرسی هم برای صاحبکار و هم برای حسابرس مهم است. بنابراین، این پژوهش به بررسی حق‌الزحمه حسابرسی بر اساس مراحل چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. برای تفکیک مراحل چرخه عمر از روش الگوی جریان‌های نقدی دیکینسون (۲۰۱۱) استفاده شده است. بدین منظور دو فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد ورود شرکت‌ها به مرحله رشد تأثیر منفی و معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد چرا که در مرحله رشد شرکت بر ترس خروج سریع از بازار فائق آمده و با بقا در بازار به میزانی از موفقیت دست یافته است که باعث کاهش ریسک تجاری شرکت‌ها می‌شود. همچنین، به منظور جذب و حفظ صاحبکارانی که توان فرصت رشد آتی بالاتری دارند، حسابرسان حق‌الزحمه کمتری مطالبه می‌کنند. به عبارتی دیگر، شرکت‌های در مرحله رشد حق‌الزحمه کمتری پرداخت می‌کنند. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد ورود شرکت‌ها

به مرحله بلوغ تأثیر مثبت و معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد. چرا که محیط تجاری شرکت‌ها در مرحله بلوغ رقابتی‌تر و چالشی‌تر، و ساختار سازمانی این شرکت‌ها پیچیده‌تر از ساختار سازمانی شرکت‌ها در سایر مراحل است و نیز مشکلات نمایندگی شرکت‌ها در مرحله بلوغ افزایش یافته در نتیجه، شرکت‌ها در مرحله بلوغ تأکید بیشتری به کاهش مشکلات نمایندگی دارند. همچنین، افزایش و تنوع سهامداران در مرحله بلوغ باعث تأکید بیشتر حسابرسی برای کاهش ریسک تجاری می‌شود که به تلاش بیشتر حساب‌برسان منجر می‌شود که باعث می‌شود حساب‌برسان حق الزحمه بیشتری مطالبه کنند. به عبارتی دیگر، شرکت‌ها در مرحله بلوغ حق الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌کنند.

این پژوهش محدودیت‌هایی مانند عدم تعدیل اقلام صورت‌های مالی به واسطه وجود تورم و همچنین عدم کنترل بعضی از عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش از جمله تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی، قوانین و مقررات بوده که ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد. همچنین، با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش مبنی بر اثرگذاری مراحل چرخه عمر شرکت بر حق الزحمه حسابرسی، پیشنهاد می‌شود حساب‌برسان این نکته را در تصمیم‌گیری‌های خود برای حسابرسی شرکت‌ها مدنظر قرار دهند.

فهرست منابع

- ۱) افلاطونی، عباس، (۱۳۹۲)، "تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی"، انتشارات ترمه، تهران، چاپ اول.
- ۲) دیانتی دیلمی، زهرا و مرتضی بیاتی، (۱۳۹۴)، "رابطه رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابداری مستقل"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۷، صص ۳۸-۲۳.
- ۳) سجادی، سیدحسین و رضا زارعی، (۱۳۸۶)، "تأثیر ویژگی‌های موسسه حسابداری و صاحبکار بر حق الزحمه حسابداری"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۹، صص ۹۰-۶۷.
- ۴) سرلک، نرگس، امید فرجی و فاطمه بیات، (۱۳۹۴)، "رابطه بین ویژگی‌های مالی شرکت و ساختار سرمایه در مراحل چرخه عمر شرکت"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۷، صص ۲۱-۱.
- ۵) علوی‌طبری، سید حسین و مژگان رباط میلی، (۱۳۹۱)، "مسئله نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابداری مستقل آزمون مبتنی بر فرضیه جریان‌های نقد آزاد"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۸، صص ۹۷-۱۲۲.
- ۶) کرمی، غلامرضا و حامد عمرانی، (۱۳۸۹)، "تأثیر چرخه عمر شرکت بر میزان مربوط بودن معیارهای ریسک و عملکرد"، پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۳، صص ۶۴-۴۹.
- ۷) واعظ، سیدعلی، محمدرمضان احمدی و محسن رشیدی باغی، (۱۳۹۲)، "تأثیر کیفیت حسابداری بر حق الزحمه حسابداری شرکت‌ها"، دانش حسابداری مالی، شماره ۱، صص ۱۱۴-۹۲.
- 1) Allen, R. D., D. R. Hermanson, T. M. Kozloski, and R. J. Ramsay, (2006), "Auditor Risk Assessment: Insights from the Academic Literature", *Accounting Horizons* 20(2), PP. 157-177.
- 2) Anthony, J. H., and K. Ramesh, (1992), "Association between Accounting Performance Measures and Stock Prices", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 15, PP. 203-227.
- 3) Asthana, S. C. & Boone, J. P., (2012), "Abnormal Audit Fee and Audit Quality" *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 31 (3), PP. 1-22.
- 4) Bedard, J. C. & Johnstone, K. M., and Ettredge, M. L., (2004), "The Effect of Competitive Bidding on Engagement Planning and Pricing", *Contemporary Accounting Research*, 21(1), PP. 125-153.
- 5) Bell, T., W., Landsman, and D. Skackelford, (2001), "Auditors' Perceived Business Risk and Audit Fees: Analysis and Evidence", *Journal of Accounting Research*, 39(1), PP. 35-43.
- 6) Ben Ali, C. & Lesage, C., (2012), "Audit Pricing and Nature of Controlling Shareholders: Evidence from France", *China Journal of Accounting Research*, 6 (1), PP. 21-34.

- 7) Bixia, X, (2007), "Life Cycle Effect on the Value Relevance of Common Risk Factor", *Review of Accounting and Finance*, Vol. 6, PP. 162-175.
- 8) Black E.L, (1998), "Life-Cycle Impacton the Incremental Relevance of Earnings and Cash flow Measures", *Journal of Financial Statement Analysis*, PP. 40-56..
- 9) Chen, X., Yang, W., and Huang, D, (2010), "Corporate Life Cycle and the Accrual Model: An Empirical Study based on Chinese Listed Companies", *Frontiers of Business Research in China*, 4 (4), PP. 580-607.
- 10) Dickinson, V, (2011), "Cash Flow Patterns as a Proxy for Firm Life Cycle", *The Accounting Review* 86 (6), PP. 1969-1994.
- 11) Eun-Suh, L. Seon-Mi, K, (2015), "Effect of Corporate Life Cycle on Audit Fees", [http// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
- 12) Francis, J. R, (1984), "The Effect of Audit Firm Size on Audit Prices: a Study of the Australian Market", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 6, PP. 133-151.
- 13) Hay, D. & Knechel, W. R, (2010), "The Effects of Advertising and Solicitation on Audit Fees", *Journal of Accounting and Public Policy*, 29(1), PP. 60-81.
- 14) Jawahar, I. M., and G. L. McLaughlin, (2001), "Toward a Descriptive Stakeholder Theory: an Organizational Life Cycle Approach", *Academy of Management Review*, Vol. 26, PP. 397-414.
- 15) Johnstone, K. M. and J. C. Bedard, (2003), "Risk Management in Client Acceptance Decisions", *The Accounting Review*, 78(4), PP. 1003 – 1025.
- 16) Lei, D., and J. W. Slocum, (2005), "Strategic and Organizational Requirements for Competitive Advantage", *The Academy of Management Executive*, Vol. 19, PP. 31.
- 17) Leuz, C, (2004), "Proprietary Versus Nonproprietary Disclosures: Evidence from Germany, in Leuz C., D. Pfaff and A. Hopwood, *The Economics and Politics of Accounting*, Vol. 15, PP. 210-224.
- 18) Lyon, J., and M. Maher, (2005), "The Importance of Business Risk in Setting Audit Fees: Evidence from Cases of Client Misconduct", *Journal of Accounting Research*, 43 (1), PP. 133-151.
- 19) Nikkinen, J & Petri S, (2005), "Risk in Audit Pricing: The Role of Firm-Specific Dimensions of Risk", *Advances in International Accounting*, Vol. 19, PP. 141- 151.
- 20) Rooney, J., and S. Cuganesan, (2013), "The Control Dynamics of Outsourcing Involving an Early-Stage Firm", *Accounting and Business Research*, 43 (5), PP. 506-529.
- 21) Saleh, F.K., Madrakian, H. and Ziaee, M.T, (2013), "The Impact of Life Cycle on the Value-Relevance of Cash Flows Versus Accrual Financial Information: An empirical Study based on Tehran Stock Exchange", *Management Science Letters*, Vol. 3, PP. 2251–2258.
- 22) Simunic D., and M. Stein, (1987), "Product Differentiation in Auditing: Auditor Choice in the Market for Unseasoned New Issues (Research Monograph No. 13)", *Canadian Certified General Accountants' Research Foundation*.
- 23) Xu, Bixi, (2007), "Life Cycle Effect on the Value Relevance of Comman Risk Factor", *Review of Accounting and Finance*, Vol. 6, PP.162-175.

یادداشت‌ها

- ¹ Hay & Knechel
- ² Johnstone & Bedard
- ³ Simunic & M. Stein
- ⁴ Lyon, & Maher
- ⁵ Rooney & Cuganesan
- ⁶ Bixia
- ⁷ Eun-Suh & Seon-Mi
- ⁸ Ben Ali & Lesage
- ⁹ Bell
- ¹⁰ Allen
- ¹¹ Francis
- ¹² Job
- ¹³ Lei & Slocum
- ¹⁴ Jawahar & Mclaughlin
- ¹⁵ Anthony & Ramesh
- ¹⁶ Dickinson
- ¹⁷ Black
- ¹⁸ Leuz
- ¹⁹ Nikkinen, & Petri
- ²⁰ Xu, Bixi
- ²¹ Chen
- ²² Asthana & Boone
- ²³ Saleh